



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقر العلوم علیها السلام

دانشکده: علوم سیاسی، تاریخ و علوم اجتماعی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: تاریخ اسلام

عنوان:

# نقش وقف در گسترش تشیع از آل بویه تا آغاز صفویه

استاد راهنما:

دکتر حسین ایزدی

استاد مشاور:

دکتر علیرضا واسعی

نگارش:

صدرالله اسماعیل زاده

پاییز 1391

### تقدیم به:

ساحت مقدس بقیه الله الاعظم، امام زمان(ع)  
او که ظهورش آرزوی همه کسانی است که دل به یاد خدا  
می دهند و فرج او را می خواهند.  
او که انتظار برای ظهورش از برترین عبادات است.  
و تقدیم به همه شهدای ایران به خصوص پدر بزرگ شهیدم؛  
شهید مرادعلی اسماعیل زاده

## تقدیر و تشکر:

سپاس بی کران پروردگار یکتا را که هستی مان بخشید و به طریق علم و دانش رهنمونمان شد و به همنشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان نمود و خوشه چینی از علم و معرفت را روزیمان ساخت. بر خود لازم می دانم که از همه اساتید گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم(ع) تشکر و قدردانی نمایم، به خصوص از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر ایزدی که با وجود مشغله های فراوان؛ زحمت راهنمایی پایان نامه را پذیرفتند. همچنین از سرور معظم جناب آقای دکتر واسعی که با بیان تذکراتی، در به سرانجام رساندن این پژوهش ما را یاری نمودند، سپاسگزارم.

از خانواده خوبم که محیطی مناسب برای انجام این پژوهش را فراهم آوردند نیز تقدیر و تشکر می نمایم.

## چکیده

وقف که در لغت به معنای ایستادن و درنگ کردن بیشتر استفاده شده است در اصطلاح شرعی تحبیس اصل و تسبیل منفعت تعریف شده است. وقف به عنوان یک سنت در تاریخ اسلام و حتی پیش از اسلام نیز وجود داشته است و کاربردهای زیادی برای آن متصور بوده است.

با بررسی تاریخ اسلام و تاریخ موقوفات، از بارزترین مواردی که هر ناظری را به فکر فرو می برد تأثیر مستقیم وقف بر شکوفایی تمدن اسلامی است. موقوفات در گسترش فرهنگ شیعی نیز نقش بسیار پر رنگی داشته اند. به طوری که ما در دوره های مختلف به خصوص از قرن چهارم و با روی کار آمدن حکومت آل بویه، شاهد رونق گرفتن سنت وقف و تامین مالی مراکز مذهبی، آموزشی و رفاهی مردم، به ویژه شیعیان هستیم که این ارتباط در دوره ایلخانان نمود بیشتری یافت. سئوال اصلی پژوهش حاضر این است که تأثیر وقف در گسترش تشیع در دوره آل بویه تا آغاز صفویه به چه میزان بوده است؟ و به دنبال آن فرضیه ارائه شده آن است که وقف در گسترش تشیع در ادوار تاریخی نقش اصلی داشته است. به عنوان مدخل بحث در مورد معنی و مفهوم وقف سخن گفته ایم و در ادامه به مواردی از آن در آیات و روایات اشاره کرده و به بررسی ارتباط وقف و گسترش فرهنگ شیعی از دوره آل بویه تا آغاز صفویه پرداخته ایم.

کلید واژه: وقف، موقوفات، تشیع، آل بویه، ایلخانان، مراکز علمی، مراکز مذهبی

## فهرست مطالب

1	مقدمه: طرح تحقیق.....
2	1- بیان مسأله.....
3	2- اهمیت و فایده آن.....
3	3- سابقه تحقیق.....
3	4- سئوالات تحقیق.....
4	5- فرضیه‌های تحقیق.....
4	6- پیش فرضهای تحقیق.....
4	7- روش انجام تحقیق.....
4	8- روش گردآوری اطلاعات.....
4	9- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات.....
4	10- سازمان دهی تحقیق.....
5	11- مشکلات پژوهش.....
6	12- معرفی و بررسی منابع پژوهش.....
12	بخش اول: کلیات.....
13	1- وقف در لغت.....
14	2- وقف در اصطلاح.....
15	3- فرق حبس و وقف.....
16	4- ارکان وقف.....
18	5- تولیت اوقاف.....

6- انواع وقف..... 19

7- وقف در آیات و روایات..... 20

7-1- روایات..... 21

8- وقف در سیره معصومین..... 23

9- وقف در سیره صحابه و تابعین..... 25

10- وقف در سایر ملل..... 26

10-1- وقف در میان رومیان، مصریان و ایرانیان قدیم..... 27

11- سیر وقف در فقه شیعه..... 28

**Error!** بخش دوم: نقش وقف در گسترش تشیع از آل بویه تا حمله مغول

**Bookmark not defined.**

**Error! Bookmark** فصل اول: نقش وقف در گسترش تشیع در دوره آل بویه

**not defined.**

**Error! Bookmark not defined.** 1- نگاهی اجمالی به حکومت آل بویه....

**Error! Bookmark not defined.** 1-1- تبار خاندان بویه.....

**Error! Bookmark not** 2-1- چگونگی روی کار آمدن آل بویه

**defined.**

**Error! Bookmark not defined.** 3-1- قلمرو حکومتی آل بویه.....

**Error!** 1-3-1- اسامی امرای آل بویه و زمان امارت هر یک

**Bookmark not defined.**

**Error! Bookmark not defined.** 4-1- مبانی فکری و مذهبی آل بویه..

**Error! Bookmark not** 5-1- رشد و گسترش تشیع در قرن چهارم

**defined.**

**Error! Bookmark not** 2- رابطه وقف و گسترش تشیع در عصر آل بویه

**defined.**

**Error! Bookmark not** 1-2- امرای آل بویه و اماکن مقدس شیعه

**defined.**

2-2 رویکرد امرای آل بویه به مراکز علمی و آموزشی **Error! Bookmark not defined.**

1-2-2 برخی از علمای شیعی عصر ال بویه **Error! Bookmark not defined.**

2-2-2 مدارس، مراکز علمی و کتابخانهها **Error! Bookmark not defined.**

3-2-2 مراکز بهداشتی..... **Error! Bookmark not defined.**

4-2-2 وقف رباط (کاروانسرا)..... **Error! Bookmark not defined.**

*فصل دوم: موقوفات شیعه در دوره غزنویان و سلجوقیان و خوارزمشاهیان*

**Error! Bookmark not defined.**

1- غزنویان..... **Error! Bookmark not defined.**

1-1 شیعه و غزنویان..... **Error! Bookmark not defined.**

2- سلجوقیان..... **Error! Bookmark not defined.**

1-2 سیاست مذهبی سلجوقیان..... **Error! Bookmark not defined.**

2-2 اتابکان یزد..... **Error! Bookmark not defined.**

3-2 موقوفات شیعه در دوره سلجوقیان **Error! Bookmark not defined.**

1-3-2 توجه به اماکن مقدس..... **Error! Bookmark not defined.**

2-3-2 مراکز علمی و آموزشی..... **Error! Bookmark not defined.**

3- خوارزمشاهیان..... **Error! Bookmark not defined.**

1-3-1 خوارزمشاهیان و تشیع..... **Error! Bookmark not defined.**

1-1-3 تشیع خلیفه ناصر عباسی..... **Error! Bookmark not defined.**

2-3 برخی از موقوفات شیعه در دوره خوارزمشاهیان **Error! Bookmark not defined.**

*بخش سوم: نقش وقف در گسترش تشیع از دوره ایلخانان تا آغاز دولت صفوی*

**Error! Bookmark not defined.**





**Error! Bookmark not defined.** 4\_ منصب نقابت و برخی از نقیبان دوره ایلخانی

**Error! Bookmark not defined.** 1\_4\_ نظام الدین حسین بن تاج الدین آوی

**Error! Bookmark not defined.** 2\_4\_ جلال الدین بن فقیه.....

**Error! Bookmark not defined.** 3\_4\_ قوام الدین بن طاووس.....

**Error! Bookmark not defined.** 4\_4\_ ناصر الدین مطهر بن شریف.....

**Error! Bookmark not defined.** 5\_4\_ ابو غره بن سالم بن مهنا حسینی مدنی

**Error! Bookmark not defined.** 5\_ شعائر شیعی به جا مانده از عصر ایلخانی

**Error! Bookmark not defined.** فصل دوم: دوران فترت (از سقوط ایلخانان تا بر آمدن تیموریان)

**Error! Bookmark not defined.** 1\_ آل جلایر.....

**Error! Bookmark not defined.** 2\_ دولت سربداران.....

فصل سوم: نقش وقف در گسترش تشیع از دوره تیموریان تا آغاز عصر صفوی

**Error! Bookmark not defined.**.....

**Error! Bookmark not defined.** 1\_ تیموریان.....

**Error! Bookmark not defined.** 1\_1\_ دین و مذهب در عصر تیموری..

**Error! Bookmark not defined.** 2\_1\_ موقوفات شیعه در عصر تیموریان

**Error! Bookmark not defined.** 1\_2\_1\_ مسجد گوهر شاد.....

**Error! Bookmark not defined.** 2\_2\_1\_ آثار شیعی در قم.....

**Error! Bookmark not defined.** 3\_2\_1\_ حرم عبدالعظیم حسنی.....

**Error! Bookmark not defined.** 4\_2\_1\_ مدرسه‌ی سرپلک یزد.....

**Error! Bookmark not defined.** 2\_ حکومت ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو

**Error! Bookmark not defined.**..... 1\_2\_ سیاست مذهبی قراقویونلوها

**Error! Bookmark not defined.**..... 2\_2\_ مذهب آق قویونلوها

**Error! Bookmark not defined.**..... خاتمه: نتیجه گیری

**Error! Bookmark not defined.**..... منابع و مأخذ

**Error! Bookmark not defined.**..... ضمایم

مقدمه:

# طرح تحقیق

## 1- بیان مسأله

وقف به عنوان یک سنت ماندگار و به جا مانده از پیامبر اکرم(ص) نقش بسیار چشم گیری در پیشرفت های علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در جهان اسلام داشته است. با نگاهی به تاریخ اسلام مشاهده می شود که اولین مورد وقف از جانب رسول خدا(ص) انجام پذیرفت و بعدها نیز در همه جوامع اسلامی، این سنت مورد توجه قرار گرفته و به رغم همه حوادث و دگرگونی ها، آثار بسیار ارزشمندی در زمینه های گوناگون بر جای گذاشته است.

وقف در ابتدا و دوران رشد، نابودی فقر مادی و ظاهری را مد نظر داشت اما با توانمندی و بارور شدن فرهنگ و تمدن انسانی، مجال بیشتری یافته و نابودی فقر معنوی و پنهان را هدف قرار داد؛ به طوری که ما در دوره های مختلف شاهد حضور جدی وقف در تأسیس مراکز علمی، کتابخانه ها و موضوع تعلیم و تعلم هستیم. این سنت حسنه از قرن چهارم تا هفتم رونقی به سزا داشت به طوری که در دوره آل بویه و قرن هفتم، نقش چشم گیری در گسترش تمدن اسلامی و فرهنگ شیعی ایفا کرده است؛ چرا که مخارج بسیاری از مراسمات مذهبی شیعی از این راه تأمین می شد. مدارس و مراکز آموزشی شیعی نیز بر بنیاد وقف نهاده شده بود و با پشتوانه مادی آنها اداره می شد. پس از رحلت شیخ مفید(ره) که زعامت و مرجعیت شیعه به شاگردان او - سید رضی و سید مرتضی - منتقل شد، هر دو عالم دینی مدتی مدیریت اوقاف راعهده دار بودند که این خود، رویکرد فرهنگی نهاد وقف را بیشتر خاطر نشان می سازد. بعد از دوره آل بویه ما شاهد افت این سنت حسنه هستیم تا این که با روی کار آمدن خواجه نصیر و بعدها رشیدالدین فضل الله که با ساخت مجموعه فرهنگی آموزشی ربع رشیدی، شاهد رشد و رونق آن هستیم. در دوره تیموری نیز موقوفه هایی بر اوقاف کشور افزوده شد؛ همچون مسجد جامع گوهر شاد در مشهد و مسجد کبود در تبریز.

با گستردگی مباحث وقف، جای خالی موضوع رابطه وقف و تشیع، به خصوص قبل از دوره صفویه احساس می شود.

شایان ذکر است با توجه به گستردگی و پراکندگی جغرافیای تشیع، ما در این نوشتار بیشتر به بررسی منطقه شرق خلافت اسلامی می پردازیم. در میان شهرهای این منطقه نیز با

توجه به دسترسی به منابع، شهرهایی همچون قم، شیراز، یزد و منطقه خراسان بیش از سایر شهرها مورد بررسی قرار گرفتند.

ما در این نوشتار بر آنیم تا به نقش و تأثیر این نهاد مقدس در گسترش تشیع از دوره آل بویه تا آغاز دوره صفوی پردازیم.

## 2- اهمیت و فایده آن

بهترین جنبه و اساسی‌ترین بعد در بحث وقف، رشد و توسعه فرهنگ و ارزش‌های الهی و معنوی است. با تحقیق و بررسی این موضوع می‌توان به آثار چشم‌گیر آن در گسترش تمدن اسلام و فرهنگ تشیع پی برده و الگویی از آن را برای امروز ارائه داد و نیز با توجه به فراموشی و کم‌رنگ شدن این سنت حسنه در زمان معاصر، شاهد گسترش و رشد این فرهنگ اصیل اسلامی باشیم.

## 3- سابقه تحقیق

در رابطه با وقف، کتاب‌ها و مقالاتی نوشته شده است. همایشی نیز با عنوان وقف و تمدن اسلامی برگزار گردیده است. کتاب‌هایی همچون تاریخچه وقف در اسلام نوشته اکبر شهابی، مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف نوشته ابو سعید احمد بن سلمان و .. به رشته تحریر درآمده است. مقالاتی نیز در مجله میراث جاویدان و ویژه نامه همایش فوق آمده که بیشتر نگاه کلی به مسأله وقف داشته و موارد تأثیر وقف در مسائل اجتماعی، اقتصادی و یا تمدن اسلامی به طور عام را بررسی کرده است و نگاه ویژه‌ای به تأثیر وقف در گسترش تشیع و فرهنگ شیعی نداشته و موارد بسیار اندکی که به آن به صورت جزئی پرداخته شده بیشتر در دوره تاریخی صفویه و پس از آن می‌باشد. لذا ما بر آنیم تا از منظر تاریخ به نقش اوقاف در گسترش تشیع در محدوده زمانی قبل از صفویه و آغاز آل بویه پردازیم.

## 4- سئوالات تحقیق

سؤال اصلی:

تأثیر وقف در گسترش تشیع از دوره آل بویه تا آغاز صفویه به چه میزان بوده است؟

### سئوالات فرعی:

- وقف چیست و در اسلام از چه جایگاهی برخوردار است؟
- تأثیر وقف در گسترش تشیع از آل بویه تا حمله مغول به چه میزان بوده است؟
- تأثیر وقف در گسترش تشیع از دوره ایلخانان تا آغاز دوره صفوی به چه میزان بوده است؟

### 5- فرضیه‌های تحقیق

وقف در گسترش تشیع در ادوار تاریخی نقش اصلی داشته است.

### 6- پیش فرض‌های تحقیق

وقف یکی از سنت‌های حسنه در اسلام است.  
وقف از جمله مسائلی است که مسلمانان به آن اهتمام داشته‌اند.

### 7- روش انجام تحقیق

تاریخی توصیفی

### 8- روش گردآوری اطلاعات

کتابخانه‌ای

### 9- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این پژوهش از روش تحلیل محتوی در آثار و منابع معتبر و اولیه و همچنین بررسی منابع پژوهشی استفاده گردیده است.

### 10- سازمان دهی تحقیق

این پژوهش از یک مقدمه و سه بخش سازمان یافته است. طرح تفصیلی در مقدمه آن بیان شده است.

در بخش اول به مباحث کلی همچون:

1- چستی وقف و جایگاه آن در اسلام

2- وقف در قبل از اسلام و سایر ملل

3- سیر وقف در فقه شیعه

4- تشیع و اقسام آن

بخش دوم، شامل دو فصل:

1- نقش وقف در گسترش تشیع در دوره آل بویه

2- نقش وقف و آثار آن بعد از دوره آل بویه تا حمله مغول

بخش سوم، شامل سه فصل:

1- نقش وقف در گسترش تشیع از دوره ایلخانان مغول تا دوره فترت

2- موقوفات شیعه در دوره فترت

3- نقش وقف در گسترش تشیع از دوره تیموریان تا آغاز دولت صفوی

## 11- مشکلات پژوهش

یکی از مشکلات ما در تدوین این پژوهش کمبود منابع درباره موقوفه‌های شیعیان است که برای این کمبود هم می‌توان دو علت را بر شمرد: 1- تقیه و در اختفا به سر بردن شیعیان و دوری جستن از بر جای گذاشتن اسناد و مدارک جز در دوره‌هایی محدود 2- سکوت راویان و مورخین اهل سنت در باره وقایع و حوادث مربوط به شیعیان که بیشتر برای کم اهمیت جلوه دادن کارهای آنان بود.

علاوه بر دو عامل فوق، مسأله در حاشیه سیاسی بودن شیعه است که موجب می‌شد اولاً وقف‌های بزرگ و رسمی قابل ثبت، کم باشد و دیگر این که وقف برای امور ویژه‌ای صورت می‌بست که آشکار ساختن آن چه بسا مایه‌ی درد سر می‌شد، از این رو نسبت به ثبت آن ابا داشتند. البته این مورد، مربوط به دوره‌هایی است که شیعه در رأس قدرت قرار نداشت یا از قدرت کمی برخوردار بود.



شایان ذکر است که املاک و مدارس و مساجد متعددی در دوره‌های مورد بحث، پیدا می‌شود که اوقافی بر آنها معین شده بود اما ارتباطی با گسترش شیعه ندارد؛ چرا که یا حاکمان سنی مذهب بودند یا املاک، وقف بر مذاهب دیگری غیر از شیعه گشته است و یا این که نیت واقف برای طایفه خاصی مشخص نبود. هر چند تعداد آنها بسیار زیاد بوده و مجال دیگری را می‌طلبد.

## 12- معرفی و بررسی منابع پژوهش

### الف) دسته اول منابع تواریخ عمومی:

1) **الکامل فی التاریخ:** عزالدین ابو الحسن جزری معروف به ابن اثیر از مشهورترین مورخین اسلامی است. بزرگ‌ترین و معروف‌ترین کتاب وی، الکامل فی التاریخ است که سال به سال از ابتدای خلقت تا سال 628ق. یعنی دو سال قبل از وفات مؤلف به شرح وقایع تاریخ می‌پردازد. در این کتاب که ابن اثیر خود معاصر با استیلای مغول بوده، از اواخر عهد قراختائیان و خوارزمشاهیان تا اواخر ایام سلطان جلال الدین منکبرنی وقایع را به دقت تمام ضبط کرده است. وی وقایع عصر مغول را به تفصیل آورده و در جمع آوری آنها از مردم ثقه نهایت کوشش را به کار برده است.

2) **تجارب الامم:** این کتاب نوشته‌ی ابوعلی مسکویه مورخ، فیلسوف و ادیب پرآوازه‌ی ایرانی است. تجارب الامم تاریخ عمومی جهان، و مشتمل بر اخبار و رویدادها از آغاز تا روزگار مؤلف است. با این که وی تا 421 هجری، در قید حیات بود اما این کتاب تا سال 369 هجری را در بر می‌گیرد. تجارب الامم منبع مهمی در بررسی حوادث قرن چهارم و به خصوص روزگار آل بویه است. ابوعلی مسکویه در ذکر حوادث سال 340ق تصریح کرده که پس از این بیشتر آنچه را که نقل می‌کند، وقایعی است که یا خود شاهد آن بوده، یا از قول شاهدان عینی نقل می‌کند.

3) **تاریخ فخری:** ابو جعفر محمد بن تاج‌الدین، معروف به ابن طقطقی (660-709)، عالم، ادیب، مورخ و نقیب سادات علوی عراق و شیعه مذهب است. این کتاب کهن‌ترین اثر سیاسی - تاریخی پس از فروپاشی خلافت عباسیان است. بخش مربوط به دوره عباسی در

فصل دوم این کتاب ارزش ویژه‌ای دارد. بلافاصله پس از انقراض خلافت عباسی و در شرایط کاهش فشارهای تحمیل شده از سوی خلفا، دانشمندی از طایفه امامی برای نخستین بار امکان تاریخ نگاری یافته و گوشه‌هایی از فساد آن نظام را آشکار ساخته است. اطلاعات نویسنده در حادثه حمله مغول و انقراض خلافت عباسی بسیار سودمند است.

4) **روضه الصفا:** روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء یا روضه الصفا کتاب تاریخ عمومی به زبان فارسی نوشته محمد بن خاوند شاه معروف به میرخواند (م 903ق.) است. میرخواند در این کتاب حوادث تاریخ جهان، از آغاز آفرینش تا روزگار خود یعنی دوران حکومت سلطان حسین بایقرا را آورده است. تاریخ روضه الصفا یکی از کتاب‌های تاریخی مبسوط و مفصل دوره تیموری به شمار می‌رود و با توجه به حضور نویسنده در دوره تیموری و نزدیکی وی به دوره‌های قبل از تیموری، می‌تواند اطلاعات مفیدی به خواننده بدهد.

5) **حبیب السیر:** خواجه غیاث الدین، معروف به خواند میر (م 942ق.) نوه دختری «میرخواند» مؤلف روضه الصفا است. پدرش چندین سال وزیر سلطان محمود، پادشاه سمرقند بود و گویا وی نیز در سال 880 در هرات ولادت یافته است. در جوانی به دربار سلطان حسین بایقرا راه یافته و در سلک ملازمان آن وزیر دانش‌دوست درآمد.

خواندمیر در کتاب حبیب السیر ضمن ذکر کارنامه‌ی سلاطین و وقایع سیاسی، از جنگ‌ها، فتح‌ها، دسیسه‌ها و تدبیرها، به ذکر نام و شرح حال بسیاری از بزرگان آن روزگار می‌پردازد و با کمال بی‌طرفی اطلاعات ذی‌قیمتی به خصوص در روزگار خود، یعنی دوره تیموریان در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

### ب) سفرنامه و کتب جغرافیایی

1) **احسن التقاسیم:** نام کتابی مشهور در جغرافیا به زبان عربی از آثار قرن چهارم هجری، تألیف شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی است. کتاب بر یک پیش‌گفتار و دو بخش تقسیم شده است. مسافرت‌ها و مشاهدات نزدیک نویسنده از آثار و ابنیه در شهرهای مختلف، اطلاعات خوبی به خواننده می‌دهد. به خصوص

توصیفی که از کتابخانه‌های آن ایام به دست می‌دهد. وی به بیشتر سرزمین‌های اسلامی سفر کرده است.

**(2) تاریخ یزد:** کتابی است به زبان فارسی در تاریخ و جغرافیای شهر یزد در قرن نهم هجری، نوشته جعفر بن محمد بن حسن یزدی. مؤلف، این کتاب را در 845 ق. و به نام ضیاءالدین مسعود، از وزرای یزد، نوشته است. این اثر، قدیم‌ترین نوشته مدون درباره شهر یزد است که تاکنون شناخته شده و حاوی اطلاعات مهمی درباره آثار تاریخی و فرمانروایان یزد و مناطق مجاور آن است. از این کتاب در شناسایی مدارس موقوفه و مساجد ساخته شده در این شهر در دوره‌های مختلف استفاده شده است.

**(3) سفرنامه ابن بطوطه:** نام اصلی کتاب تحفه النظر فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار است. اما بیشتر به نام رحله ابن بطوطه شناخته شده است. بنا بر آنچه که در این کتاب آمده، ابن بطوطه به فرمان ابو عنان یادداشت‌هایی از سفر سی ساله خود فراهم آورد و در سوم ذیحجه 756 ق، آن را به پایان رسانده است. اطلاعاتی که نویسنده از مشاهدات خود به خصوص در شهرهای شیعه نشین عراق و ایران می‌دهد، بسیار حائز اهمیت است.

### ج) تواریخ سلسله‌ای

**(1) مطلع سعدین و مجمع بحرین:** این کتاب اثر فارسی کمال الدین عبد الرزاق سمرقندی است که به حوادث ایران در فاصله سال‌های 704 تا 873 ق، مصادف با حکومت مغولان، می‌پردازد. هر چند به مناسبت موضوع، حوادث سال‌های 874 و 875 یعنی فاصله کشته شدن ابو سعید و جلوس سلطان حسین بایقرا نیز مطرح می‌شود. جلد دوم که در شرح سلطنت شاهرخ و فرزندان وی و هم‌چنین شرح سلطنت سلطان ابو سعید گورکانی است - یعنی وقایع قریب العهد نگارنده - همراه با مشاهدات عینی مؤلف بوده و چون در اردو و دربار شاهرخی مکانتی داشته، مطالب تاریخی را یا به چشم دیده و یا از افراد مورد اعتماد شنیده است.

**(2) تاریخ اولجایتو:** اثر فارسی عبدالله بن علی کاشانی (م 738 ق)، یکی از بزرگ‌ترین منابع تاریخی دوره ایلخانی است که دربردارنده تاریخ چهارده ساله ایران از 704 تا 717 ق، بوده و در زمان سلطان اولجایتو، یکی از ایلخانان مغول نوشته شده است. اهمیت کتاب از این

نظر است که خواجه رشیدالدین فضل‌الله، صاحب کتاب معتبر جامع‌التواریخ، تاریخ خود را که مربوط به دوره ایلخانیان بزرگ است، با مرگ غازان‌خان، برادر بزرگ اولجایتو، به پایان می‌رساند و کاشانی در این تالیف، تاریخ پس از آن دوره را به رشته تحریر کشیده و از این جهت در واقع جامع‌التواریخ را تکمیل کرده است.

از نکات قابل توجه درباره این کتاب این است که وقایع، به صورت روزشمار و مانند یک روزنامه نوشته شده و فقط به ذکر آن‌ها اکتفا شده است؛ یعنی توضیح و تشریحی در مورد آن‌ها آورده نشده، به علاوه، سهوها و آشفتگی‌های زیادی در آن دیده می‌شود، به خصوص تاریخ روزها و ماه‌ها، در بعضی موارد آشفته است.

#### د) کتب کلامی تاریخی

**النقض:** کتاب النقض که در شمار متون کهن فارسی است حاوی اطلاعات فراوان تاریخی، مذهبی، جغرافیایی و کلامی است. این کتاب مشهورترین اثر عبدالجلیل رازی قزوینی است که در آن به رد تهمت‌های ناصبی‌ها به شیعیان پرداخته است. اندیشمند بزرگ عبدالجلیل رازی قزوینی از عالمان و متکلمان برجسته شیعی در قرن ششم است. وی در این کتاب اطلاعات گرانسنگی در رابطه با شهرهای شیعی و مدارس و بناهای موقوفه ساخته شده در این شهرها را ارائه می‌دهد. از دشواری‌های این کتاب متن سنگین آن است. به طوری که معنای بعضی از کلمات قابل فهم نیست. از دیگر نکات قابل توجه عدم فهرست در این کتاب است که سبب کند شدن امر تحقیق می‌شود. اما در هر صورت در بردارنده اطلاعات مفیدی به خصوص در دوره غزنویان و سلجوقیان است.

#### و) آثار پژوهشی

1- **دین و دولت در ایران عهد مغول:** نویسنده این کتاب خانم دکتر شیرین بیانی استاد دانشگاه تهران است که آثار متعددی را تألیف نمود. اما تمرکز اصلی مطالعات وی بر تاریخ مغول است و کتاب‌هایی را در این رابطه نگاشته است. نویسنده در این کتاب سه جلدی به تاریخ و چگونگی ورود مغولان به ایران اشاره می‌کند. اما آنچه مورد اهمیت است، بررسی دین و مذهب امرای مغول و ایلخانان در ایام حکومتی خود می‌باشد. با توجه به این که در این دوره شاهد گسترش مذهب شیعه در ایران نیز هستیم.

2) **تربت پاکان:** این کتاب اثر استاد سید حسین مدرسی طباطبائی است که سال‌های متمادی از عمر پژوهشی خود را میان سال‌های 1349-1356 در زمینه قم شناسی صرف کرده و ده‌ها مقاله و چندین کتاب در این زمینه منتشر کرد. برجسته‌ترین آنها کتاب تربت پاکان است. وی در این کتاب ابتدا به بررسی جغرافیای تاریخی شهر قم که از شهرهای مهم شیعی در ادوار مختلف بود، پرداخته و در ادامه به برخی از وقفنامه‌ها و موقوفات این شهر اشاره می‌کند که بسیار حائز اهمیت است.

3- **تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی:** این کتاب از آثار ارزشمند استاد رسول جعفریان در زمینه تاریخ تشیع است. این اثر، تلاشی در جهت نشان دادن مسیر پیشرفت تشیع در حوزه ایران اسلامی است. نویسنده این کتاب می‌گوید: «هدف از نگارش این اثر، شرح تاریخ سیاسی شیعه در ایران نبوده است، بلکه به طور کلی نشان دادن چگونگی بسط تشیع در این دیار بوده و به همین دلیل، نوعی سبک توسعه جغرافیایی - ادواری مورد استفاده ما قرار گرفته است. بر همین اساس، تلاش شده است تا از هر آنچه می‌تواند در ارائه تصویری از این توسعه کمک کند، استفاده کنیم.» با توجه به گفته نویسنده و مطالب مستند در کتاب، اطلاعات مفیدی در زمینه جغرافیای شیعه در قرون مختلف به همراه کیفیت و کمیت شیعیان و آثار آنها به خواننده می‌دهد. افزون بر شواهد تاریخی، از کتیبه‌ها و نشانه‌های دیگری هم که برای تشیع در هر شهر و ولایتی بوده استفاده شده است.

4- **احیای فرهنگ در عهد آل بویه، انسان‌گرایی در عصر رنسانس اسلامی:** تألیف جوئل ل. کرمر. همچنان که از نام کتاب برمی‌آید نویسنده به اعتلای فرهنگی در قرن چهارم و به ویژه در دوره حکومت آل بویه می‌پردازد و به بررسی زوایای مختلف این جنبش علمی و فرهنگی می‌پردازد. مطالعه این کتاب از آن سو مفید است که از نگاه یک مستشرق به چگونگی اعتلای فرهنگی و علمی شیعه در آن عصر می‌نشینیم. به عنوان مثال در فصل اول این کتاب با عنوان «آرایش صحنه: آغاز عهد آل بویه» تاریخ سیاسی این دودمان و چگونگی حیات سیاسی آنها در عصر تسلط بر عراق و دوران تعالی تمدن اسلامی بررسی شده است. مؤلف با تحلیلی جامعه‌شناختی، چگونگی برتری قدرت آل بویه بر دستگاه خلافت و سپس تعامل سیاسی آنها

در جهت کنار آمدن با دستگاه خلیفه و نقشی که مذهب تشیع در این بین ایفا کرد را بررسی  
نموده است.

بخش اول:

**کلیات**

## 1- وقف در لغت

وقف در لغت به چند معنا آمده است. خلیل بن احمد در توضیح این واژه می نویسد:

«وقف مصدر «وقفت الدابة» و «وقفت الكلمة وقفا» می باشد و این کلمه متعدی است که گاهی لازم هم به کار می رود و «اوقفت» به جز در معنای کندن و انتزاع کردن به کار نمی رود. همچنین به نوعی زیور که از عاج و یا شاخ حیوانات ساخته می شود، نیز «وقف» می گویند.<sup>۱</sup>

جوهری نیز در معنای این لغت می گوید:

«وقف به معنای زیوری ساخته شده از عاج نیز آمده است، «وقفت المرأة توقيفا» یعنی: در دست آن زن وقف (زیور) قرار دادم. معنای دیگر آن ایستادن است و به معنای آگاه ساختن نیز آمده است.<sup>۲</sup>

طریحی در مجمع البحرین نیز برای بیان معنای لغوی «وقف» به آیه کریمه: «وَلَوْ تَرَى إِذُ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ»<sup>۳</sup> شاهد آورده که همان «مکث و درنگ کردن» است، البته به شکل متعدی، فهمیده می شود.<sup>۴</sup>

از مجموع آنچه در معنای لغوی واژه «وقف» بیان کرده اند به دست می آید که این واژه به معنای: ایستادن و درنگ کردن، سرپا نگه داشتن، آگاه شدن و آگاه ساختن، کندن و انتزاع کردن، منع و نوعی زیور و احیانا بعضی معانی دیگر آمده است. و در مباحث آینده روشن خواهد شد که همه این معانی لغوی به شکلی با معنای اصطلاحی آن در فقه اسلامی تناسب و ارتباط اساسی دارند.

1. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج 3، تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم سامرائی، چاپ اول، قم: اسوه، 1414ق، ص 1977.

2. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ج 4، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، چاپ دوم، بیروت: دارالعلم للملایین، 1399ق، ص 1440.

3. انعام / 27

4. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج 2، تحقیق سید احمد حسینی، چاپ دوم، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1408ق، ص 535.



## 2- وقف در اصطلاح

فقها در بیان مفهوم اصطلاحی وقف که از نظر شرعی کلمه‌ی وقف چه مفهومی دارد؟ اختلاف نظر دارند؛ منشأ اختلاف آن است که برخی آن را لازم و برخی جایز می دانند و عده‌ای قصد قربت را شرط

تحقق وقف می دانند. ولی عده‌ی دیگری چنین عقیده‌ای ندارند.

محقق حلی و علامه حلی در تعریف وقف گفته‌اند: «عقدی است که نتیجه آن حبس کردن

اصل و رها گذاشتن منفعت است»<sup>1</sup>

برخی از فقیهان در تعریف فوق لفظ «عقد» را ذکر نکرده‌اند.<sup>2</sup> امام خمینی نیز در تعریف

وقف می گوید: «الوقف، تحبیس العین و تسبیل المتعه»<sup>3</sup>.

شهید اول وقف را این گونه معنا کرده است: «وقف صدقه جاریه‌ای است که نتیجه آن حبس

کردن اصل و رها کردن منفعت می باشد»<sup>4</sup>. صاحب عروه نیز این چنین تعریف کرده است.<sup>5</sup> همان

طور که شهید ثانی گفته است این تعریف، تعریف حقیقی وقف نیست؛ چون با مواردی مثل

سکنی نقض می شود.<sup>6</sup>

شیخ طوسی در المبسوط می گوید: «وقف عبارت است از تحبیس الاصل و تسبیل المنفعة

و جمع آن «وقوف» و «اوقاف» است، می گوئیم: وقفت اما اوقفت شاذ و نادر است»<sup>7</sup>.

فقها در معنای تحبیس الاصل چنین می گویند: «مراد از تحبیس این است که، مال وقف

شده از هر نوع تصرف مالکانه محفوظ باشد و هیچ تصرفی که موجب نقض ملکیت آن بشود،

صورت نگیرد»<sup>8</sup>.

---

1. محقق حلی، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج 2، تحقیق عبدالحسین محمدعلی بقال، چاپ سوم، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1426ق، ص 251؛ حلی، ابن مطهر، قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، ج 2، چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ص 387.

2. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ج 2، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، 1404ق، ص 55.

3. همان.

4. عاملی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج 1، تعلیق سید علی حسینی، چاپ اول، قم: مؤسسه واریان، 1422ق، ص 460.

5. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، عروة الوثقی، ج 6، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، 1425ق، ص 275.

6. عاملی، زین الدین بن علی، پیشین.

7. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط، ج 3، چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، 1386، ص 104.

8. طباطبایی، سید علی، ریاض المسائل فی بیان احکام الشرع بالدلائل، ج 10، چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، 1419ق،

ص 91

بنابراین، «تحبیس» حبس و منع کردن و باز داشتن مال از هر گونه تصرف مالکانه است و مراد از آن تحبیس ابدی است؛ در نتیجه مراد از حبس مال در وقف این است که واقف، مال خود را همیشه از هر گونه تصرف مالکانه - چه از جانب خودش و چه از جانب دیگران - ممنوع کند. این مطلب نزد علمای شیعه اجماعی است.<sup>1</sup>

نکته شایان ذکر در این باب، موضوع صیغه وقف است. از ظاهر کلمات علما بر می آید که در تحقق وقف، صیغه شرط است و وقف بدون صیغه صحیح نخواهد بود. شیخ طوسی در کتاب مبسوط، الفاظ «وقف، حبست و سبلت» را برای ایجاب وقف، الفاظ صریح می داند که به قرینه نیازی ندارند و الفاظی نظیر: «تصدقت، حرمت و ابدت» صریح نیستند، اما به کار بردن آنها با قرینه مانعی ندارد، مثل این که بگوید: تصدقت صدقه لا تباع و لا توهب و لا تورث و... زیرا این قیود، الفاظ یاد شده را به وقف منصرف می سازند. همچنین است اگر یکی از این الفاظ غیر صریح را به کار برد و نیت وقف کند، بین خود و خدایش وقف خواهد بود؛ اما جز در صورت اقرار خودش به این که نیت وقف کرده است، حکم به وقف بودن آن نخواهد شد.<sup>2</sup> مختار علامه در قواعد نیز همین است.<sup>3</sup> صاحب عروه نیز این قول را با توضیحاتی می پذیرد. وی می گوید:

«قول قوی تر نزد من این است که هر چیزی که بر معنای مذکور دلالت کند اگر چه به ضمیمه قراین باشد، برای تحقق وقف کافی خواهد بود، درست مانند سایر عقدها، عربی بودن و ماضی بودن هم در صیغه وقف شرط نیست، حتی جمله اسمیه هم کفایت می کند.»<sup>4</sup>

### 3- فرق حبس و وقف

حبس چیزی شبیه وقف است؛ با این تفاوت که در وقف مالکیت از عین موقوفه از بین می رود ولی در حبس مالکیت حبس کننده و حابس باقی مانده پس قابل ارث می باشد و فروش آن جایز است. فرق دیگر این که در وقف حتماً باید دوام داشته باشد و ذکر مدت مانع تحقق آن می باشد؛ بر خلاف حبس که شخص مالک، ملک خود را هر چه باشد برای مدتی

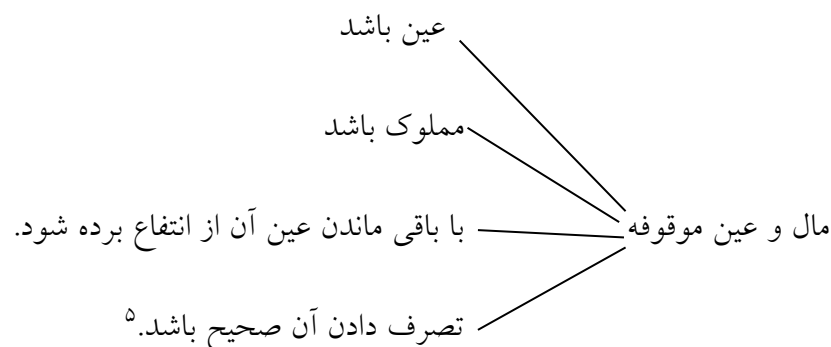
1. خوانساری، سید احمد، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، ج 4، تعلیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، تهران: مکتبه الصدوق، 1405ق، ص 3.  
2. طوسی، محمد بن حسن، پیشین، ص 111.  
3. حلی، ابن مطهر، پیشین، ج 2، 1418ق، ص 387.  
4. یزدی، سید محمد کاظم، پیشین.

حبس می کند به این معنی که اصل ملک را در مالکیت خود باقی گذاشته، منافع آن را به کار خیری اختصاص می دهد و پس از پایان ملک به مالک یا ورثه بر می گردد.<sup>۱</sup>

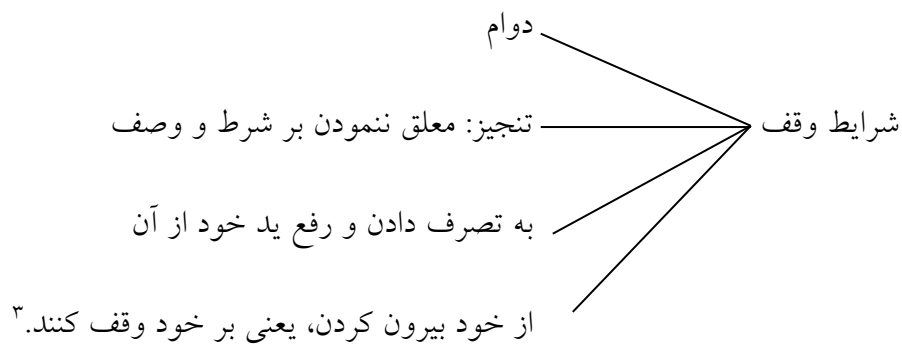
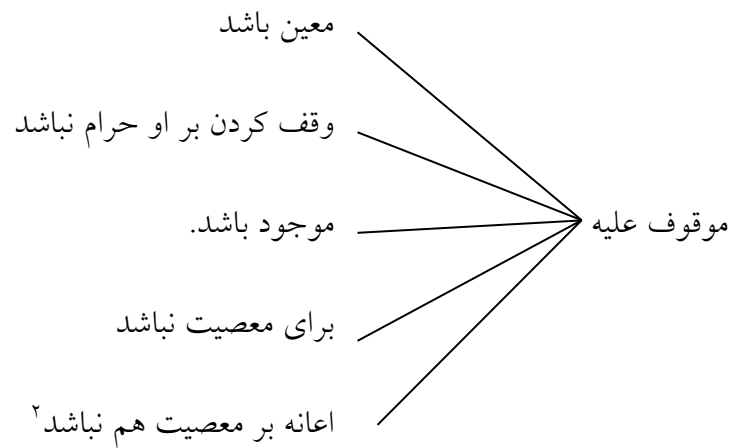
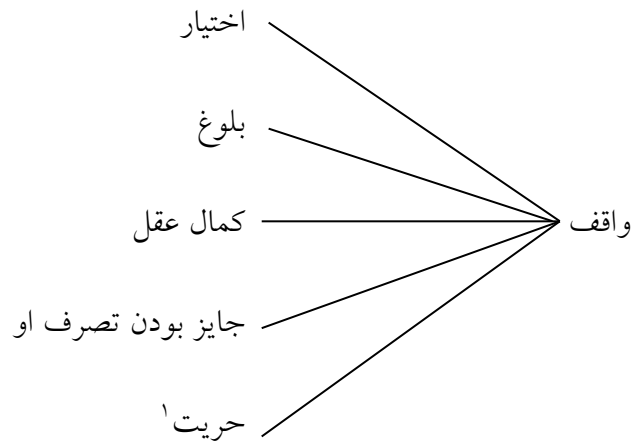
محقق حلی در شرایع الاسلام تقریباً «سکنی» و «حبس» را مترادف آورده و در تعریف آن می گوید: «و آن عقدی است که نیازمند ایجاب و قبول و قبض است و فایده آن تسلیط دیگری بر منفعت مال است در حالی که عین آن در ملکیت مالک باقی است.»<sup>۲</sup> صاحب عروه الوثقی نیز تفاوت وقف و حبس را قصد تأبید یا عدم تأبید می داند و معتقد است چنان که مالک قصد تأبید کند از مال وی خارج می شود و الا ملک در مالکیتش باقی می ماند و حتی در وقف هم کمال به ملکیت موقوف علیه در نمی آید.<sup>۳</sup>

#### 4- ارکان وقف

وقف دارای چهار رکن می باشد. 1- واقف 2- صیغه وقف 3- مال و عین موقوفه 4- شرایط موقوف علیه که هر یک از آنها باید دارای شرایط خاص باشند که به آنها اشاره می شود.<sup>۴</sup>



1. سلیمی فر، مصطفی، نگاهی به وقف و آثار اقتصادی اجتماعی آن، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی، 1370، ص 50.
2. محقق حلی، پیشین، ج 2، ص 455.
3. یزدی، سید محمدکاظم، عروه الوثقی، ج 2، قم: مکتبه الداوری، [بی تا]، ص 192.
4. همان، ج 6، ص 312.
5. محقق حلی، پیشین، ج 2، صص 253-259.



1. یزدی، سید محمد کاظم، پیشین، ج 6، ص 312.

2. همان، ج 6، ص 318.

3. محقق حلی، پیشین، ج 2، ص 253-259؛ بحرانی، یوسف، الحدائق الناظرة فی احکام القرة الطاهرة، ج 22، قم: مؤسسه نشر

الاسلامیه، 1405ق، ص 134.

## 5- تولیت اوقاف

معمولاً واقف در وقفنامه خصوصیات رقبات و چگونگی مصرف و بهره‌برداری از آنها، و نام متولی و چگونگی تعیین متولیان بعدی را بیان می‌کند. غالباً به متولیان یک دهم از درآمد موقوفه را به عنوان حق الزحمه می‌پردازند. ممکن است واقف، تولیت را به اولاد و اعقاب خود یا شخص دیگری واگذار کند. درآمد موقوفات باید به مصرف اشخاص یا سازمان‌های خیریه برسد. گاه در وقفنامه غیر از «متولی» شخص دیگری را به نام «ناظر» معین می‌کنند. اگر واقف انجام کارهای متولی را منوط به تنفیذ و تصویب ناظر کرده باشد، چنین ناظری را «ناظر استصوابی» و اگر متولی را ملزم کرده باشند که فقط کارهای انجام شده را به اطلاع ناظر برساند، این ناظر را «ناظر اطلاعی» می‌نامند.<sup>1</sup>

معمولاً اداره املاک یا مؤسساتی که از طرف واقف به منظور خاصی وقف شده است، با متولی است. متولی یا سرپرست املاک موقوفه، از بین خوشنام‌ترین و پاکدامن‌ترین افراد جامعه یا خانواده‌ی واقف تعیین می‌گردد. به همین دلیل، گاه مدرسان، قضات، پیش‌نمازان و علما به این مقام برگزیده می‌شوند تا طبق نظر واقف به سرپرستی و اداره اوقاف همت گمارند. معمولاً حق الزحمه متولیان در وقفنامه‌ها یک دهم از درآمد موقوفه است، و عمل و سمت متولی در اداره موقوفه، به نام «تولیت» خوانده می‌شود. اکثر واقفان تا خود زنده هستند، متولی موقوفه می‌باشند و چون درگذشتند، بنا به مندرجات وقفنامه، به ارشد، اکبر، اعلم و اورع اولاد، یا اعلم علمای محل، یا پیش‌نماز مسجد جامع و نظایر اینها، انجام این کار را واگذار می‌کنند.

در اکثر وقف‌نامه‌ها تولیت در اعقاب و فرزندان واقف نسلی پس از نسل دیگر معین می‌گردد و در بعضی دیگر از وقفنامه‌ها نیز، از همان آغاز امر به واسطه این‌که واقف فرزندی نداشته و یا از فرزندان خود ناراضی بوده است، تولیت در غیر اولاد و خاندان واقف قرار داده شده است. در بعضی دیگر از موقوفات مهم نیز، برای این‌که کسانی نتوانند به ملک موقوفه تجاوز کنند، تولیت به سلطان وقت تفویض شده است. از قبیل قسمت اعظم موقوفات آستان قدس رضوی و موقوفات مدرسه سپهسالار ناصری در تهران...<sup>2</sup>

1. راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، ج 2، ب 4، چاپ دوم، تهران: انتشارات نگاه، 1382، ص 845.

2. معین، محمد، فرهنگ معین، ج 3، چاپ ششم، تهران: امیر کبیر، 1363، صص 3848-3849؛ شهابی، علی اکبر، تاریخچه

وقف در اسلام، تهران: دانشگاه تهران، 1343، ص 3.

در کتاب عتبه الکتبه فرمان‌هایی آورده شده که بیان کننده رسیدگی متصدیان دیوان اوقاف، به وضع اراضی و املاک موقوفه و چگونگی بهره‌برداری از آنهاست تا عواید حاصله، چنان‌که منظور واقف بوده است، به مصرف برسد. به عنوان نمونه به یکی از این فرمان‌ها اشاره می‌گردد: در کتاب عتبه الکتبه وظیفه متصدی اوقاف چنین تعیین شده است:

«... به تفحص احوال اوقاف مشغول گردد، وقف‌ها و وقف‌نامه‌ها را بازطلب و کیفیت احوال هر یک بداند و محصولات گذشته معلوم کند، تا به کدام کس تعلق داشتست و مصارف آن چگونه بودست؟ اگر متصرفان، کار بر وفق شرط کرده باشند و محصول به مصب استحقاق رسانیده، شغل برایشان تقریر می‌کند، و به تازگی، شرط احکام به جای می‌آورد. و اگر به خلاف این بوده باشد، حال به دیوان باز نماید و در مستقبل هر موضوعی که از اوقافست به معتمدی کاردان، خدای ترس و معتبر سپارد و حجت می‌ستاند که در تیمار داشت، تهاون نکند و از خیانت و اختزال دور باشد ... و اوقاف را معمور می‌دارد و محصول آن بر آن جملت که فرموده است به مصب و جوب می‌رساند ... سبیل مقطعان و شحنگان و رؤسا و عمال و دهاقین و معتبران و منظوران از سادات و ائمه و قضات ادام اله تأییدهم و حرس عزم آنست که حکم فرمان را به انقیاد تلقی کند و اسباب تمکین ... و اعزاز عزیز الدین مهیا دارند و اوقاف شهر و ناحیت هر جا که هست آبادان و خراب، قدیم و حدیث به وی بازگذارند، و هر طایفه و طبقه از طوایف و طبقات مذاهب شرع نسختی روشن و تفصیل مهذب از هر چه تعلق بدیشان دارد به وی دهند و هیچ چیز پوشیده ندارند و نواب و ولات مقطعان و شحنگان شهر و نواحی، طریق تعذر و خیانت نسپرند و در تقویت نایان عزیز الدین مجهود بذل کنند و از شکایت و استزادت اجتناب نمایند و حرمت نواب او موفور دارند و در هیچ کاری که تعلق به دیوان اوقاف دارد مداخله نکنند. و طریقه امانت و راستی می‌سپرند ...»<sup>1</sup>

## 6- انواع وقف

برای وقف می‌توان تقسیمات متعددی را در نظر گرفت. یکی از این تقسیمات وقف که به اعتبار موقوف علیهم می‌باشد این است: وقف عام و وقف خاص

الف) وقف عام: وقفی است که مقصود از آن امور خیریه‌ای است که مخصوص طبقه معینی نیست و برای مصالح عمومی است مانند مساجد، مدارس...

1. منتجب الدین، علی بن احمد، عتبه الکتبه مجموعه مراسلات دیوان سلطان سنجر، مصحح محمد قزوینی و عباس اقبال

آشتیانی، چاپ اول، تهران: اساطیر، 1384، صص 54-55.

ب) وقف خاص: مقابل وقف عام است و وقفی است که مخصوص دسته و طبقه خاصی است مانند وقف بر اولاد.<sup>1</sup>

تقسیم دیگر برای وقف، تقسیم آن به وقف انتفاع و وقف منفعت است. اگر از نظر واقف از وقف تحصیل در آمد مادی نباشد آن را وقف انتفاع گویند مانند احداث مسجد در زمین خود و اگر نظر واقف از وقف تحصیل در آمد باشد تا در مصرف معلومی هزینه شود آنرا وقف منفعت نامند، مانند: وقف دکان برای اداره مدرسه یا مسجد.

## 7- وقف در آیات و روایات

در قرآن کریم کلمه‌ی وقف نیامده است، ولی عناوینی مترادف همچون صدقه، خیر، بر، انفاق، احسان در مواردی از قرآن آمده است، و هر یک از این عناوین را بر وقف نیز می‌توان وفق داد، زیرا وقف، هم صدقه است و هم بر؛ و اعمال خیر همواره در آیات قرآن ستوده شده و به طور عموم هر آنچه که بر انجام کارهای نیکو و تشویق بدان دلالت داشته باشد، بر وقف نیز دلالت می‌کند. در ادامه به برخی از این آیات اشاره می‌گردد:

1. «وَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ...»<sup>2</sup>

«و اما کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند،

(خداوند) مزدشان را به تمامی به آنها می‌دهد.»

کلمه صالحات در آیه‌ی مذکور می‌تواند بر هر عمل شایسته‌ای - از جمله وقف -

دلالت می‌کند.

2. «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ

رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا»<sup>3</sup>

«مال و فرزندان آرایش زندگانی جهان اند و لکن، اعمال صالح که تا

قیامت باقی است، نزد پروردگار بسی بهتر و عاقبت آن نیکوتر است.»

1. خمینی، سید روح الله، پیشین، ج 2، ص 65.

2. آل عمران / 57.

3. کهف / 46.

در آیهی مذکور، باقیات صالحات می تواند شامل تمامی کارهای خیر باشد که می توان گفت وقف مصداق بارز باقیات صالحات است.

3. «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تَحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»<sup>1</sup>

«هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی رسید مگر این که از آنچه دوست می دارید، (در راه خدا) انفاق کنید و آنچه انفاق می کنید، خداوند از آن آگاه است.»

بدون شک برای انفاق، راههای گوناگونی وجود دارد که وقف یکی از مهم ترین مصداق آن می باشد. در ضمن نیل به مقام ابرار و مقربین نیازمند انفاق از چیزهایی است که محبوب انسان است و معمولاً دل کندن از آنها کاری بس دشوار به نظر می رسد به ویژه در وقف که موقوفه از ملکیت واقف خارج شده و به مالک حقیقی یعنی خداوند متعال واگذار می گردد.

## 7-1- روایات

دربارهی وقف و ارزش و ویژگی های آن روایات متعددی نقل شده و ثواب های فراوانی برای کسانی که به انجام آن همت بگمارند وعده داده شده است. البته در بیشتر این احادیث لفظ وقف به کار نرفته است هرچند در برخی از روایات کلمه وقف و مشتقات آن آمده است که به طور نمونه می توان به بیش از پانزده حدیث در وسائل الشیعه در فصل های مختلف باب وقف اشاره کرد.<sup>2</sup> در برخی از روایات واژه حبس آمده است.<sup>3</sup> به دو نمونه از احادیث در باب وقف اشاره می کنیم:<sup>4</sup>

1. عن ابی عبدالله (ع) قال: «لَيْسَ يَتَّبِعُ الرَّجُلُ بَعْدَ مَوْتِهِ مِنَ الْأَجْرِ إِلَّا ثَلَاثُ خِصَالٍ صَدَقَةٌ أَجْرَاهَا فِي حَيَاتِهِ فَهِيَ تَجْرِي بَعْدَ مَوْتِهِ وَ سُنَّةٌ سَنَّهَا هُدًى فَهِيَ تَعْمَلُ بِهَا بَعْدَ مَوْتِهِ وَ وُلْدٌ صَالِحٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُ».<sup>5</sup>

1. آل عمران / 92.

2. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج 19، چاپ سوم، قم: مؤسسه آل البیت (ع) لإحياء التراث، 1416ق، (کتاب الوقوف و الصدقات).

3. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، پیشین، ص 340.

4. به دو نمونه حدیث اشاره می گردد؛ یک حدیث عام و دیگری روایتی که کلمه وقف در آن آمده باشد.

5. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، الخصال، ج 1، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین، 1362، ص 151.



امام صادق(ع) می فرماید: «هر کس از این جهان درگذرد پس از مرگ، چیزی به او نمی رسد جز این که پیش تر سه چیز از خود باقی گذاشته باشد: کار نیکی که اثرش پس از او باقی باشد؛ سنت حسنه‌ای که در میان مردم رواج داده باشد و بعد از او مردم به آن روش عمل کنند؛ فرزند صالحی که برای او دعا کند.»

شایان ذکر است از کلمه‌های «اجراها» و «تجری» فهمیده می شود که مراد از صدقه در این روایت «وقف» است؛ زیرا صدقه به معنای دادن اصل مال به فقیر است و بدیهی است که دوام و استمرار ندارد بلکه عملی است که انسان در حیاتش انجام داده و ثوابی برده و پرونده آن بسته شده است، زیرا مالش به ملکیت فقیر در آمده و تمام گردیده است. اما دروقف، اصل مال محفوظ و منافع آن در راه خیر قرار داده شده و بدیهی است که اصل مال ثابت بوده و منافع آن هر روز و هر سال وجود دارد و ثواب آن به پرونده عمل واقف ملحق می گردد.

بر همین اساس، فقهای بزرگ گفته‌اند مراد از صدقه در این روایت، همان وقف است.<sup>1</sup> صاحب عروۃ الوثقی نیز می نویسد: «وقف، خود از صدقات است و گاهی واژه «صدقه» نیز به آن اطلاق می شود، بلکه در اخبار از وقف به صدقه تعبیر شده است و از این فراتر، این عقد در اخبار با لفظ «وقف» اندک است. و نیز گاهی از واژه صدقه بر اعم از وقف و اخوات آن یعنی حبس، سکنی عمری و رقبی اطلاق می شود. بنابراین وقف همان صدقه جاریه است یعنی صدقه‌ای که همچنان جاری و مستمر است بر خلاف صدقاتی که چنین نیستند.»<sup>2</sup>

2. «عَنْ مِهْرَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَوْصَى أَنْ يُنَاحَ عَلَيْهِ سَبْعَةَ مَوَاسِمٍ فَأَوْقَفَ لِكُلِّ مَوْسِمٍ مَالًا يُنْفَقُ فِيهِ.»<sup>3</sup>

از مهران بن محمد روایت شده است که گفت: از امام صادق (ع) شنیدم که وصیت فرمود، تا در هفت موسم از مواسم حج نوحه‌گری برای او ترتیب دهند، و به همین جهت برای هر موسمی مالی را وقف کرد، که خرج آن شود.

1. بحرانی، یوسف، پیشین، ج 22، ص 126.

2. یزدی، سید محمد کاظم، پیشین، ج 6، ص 279.

3. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج 4، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، 1404 ق، ص 244.

## 8- وقف در سیره معصومین

بر طبق منابع اولیه گزارشی از وقف اموال پیامبر(ص) در مدت زمان قبل از تشکیل دولت مدینه بیان نشده است. اما پس از شکل گیری دولتی در مدینه و افزایش دارایی‌ها، موضوع وقف و سیره وقفی پیامبر(ص) مطرح شد.

بیشتر منابع، نخستین صدقه در اسلام را وقفی از پیامبر خدا(ص) پس از کشته شدن مخیریق در احد، دانسته‌اند. مخیریق، یکی از دانشمندان یهود بنی نضیر بود. روز جنگ احد به نزد یهودیان آمد و به آنان گفت: به خدا سوگند! شما می‌دانید محمد پیامبر خداست و یاری کردن او بر شما فرض است. یهودیان گفتند: امروز، شنبه است. وی گفت: شنبه حکم خاصی ندارد و آن‌گاه سلاحش را گرفت و در احد به حضور رسول خدا(ص) رسید و در آنجا جنگید تا کشته شد.

پیامبر(ص) درباره او فرمود: «مخیریق بهترین یهودی است». وی پیش از آن‌که به احد برود، وصیت کرد که اگر کشته شدم، اموالم متعلق به محمد(ص) است، او هر طور که صلاح می‌داند با آن رفتار کند.

حوادث (بوستان‌ها) هفت گانه‌ای که او طبق وصیت به رسول خدا(ص) واگذار کرد به نام‌های، عواف، دلال، برقه، مبيت، حسنی، صافیه و حائط ام ابراهیم معروف بودند. پیامبر(ص) این بوستان‌ها را وقف نمودند.<sup>1</sup>

غیر از بوستان‌های هفت گانه‌ی فوق، پیامبر(ص) موقوفه‌های دیگری نیز داشت که برخی از آنها عبارتند از: «بویره» از زمین‌های بنی النضیر، سه قلعه از هشت قلعه خیبر به نام‌های «کتیبه»، «وطیح» و «سالام».<sup>2</sup>

زمینی از اموال بنی نظیر که از طرف خداوند به عنوان اولین «فیء» در اختیار پیامبر(ص) قرار گرفت. موضعی در بازار مدینه به نام مهزور که عثمان در زمان حکومتش آن را به مروان اقطاع کرد.<sup>3</sup>

سایر معصومین هم دارای موقوفات متعددی بودند. امیرالمؤمنین(ع) موقوفه‌هایی داشت که در تاریخ ثبت شده است. برخی از موقوفه‌های حضرت عبارتند از:

1. واقدی، مغازی، تحقیق مارسون جونس، ج 1، چاپ سوم، بیروت: مؤسسه الاعلمی، 1409ق، ص 378؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، ج 1، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، 1410ق، ص 390-388.  
2. ابن سعد، همان، ج 2، ص 87.  
3. ابویعلی، الفراء حنبلی، الاحکام السلطانیة، محقق محمد حامد فقی، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العلمیه، 1427ق، ص 201.

فقیر<sup>۱</sup> و وادی ترعه<sup>۲</sup>. چهار چاه در حره الرجلاء که به آن «ذات کمات» می گفتند. چاه‌های «ذوات العشاء»، «قعین»، «معید»، «رعوان»، ناحیه‌ای از فدک به نام «القصبیه»<sup>۳</sup>. نمیری در کتاب خود به وقف‌نامه مفصلی از حضرت علی(ع) اشاره می‌کند.<sup>۴</sup> از امام صادق(ع) نقل شده است که امیرالمؤمنین(ع) خانه‌ای در محله بنی زریق مدینه داشت که آن را به این صورت وقف کرد: «بسم الله الرحمن الرحيم: علی بن ابی طالب در حال حیات و صحت و سلامت خانه خودش را در بنی زریق وقف کرده است که فروخته نمی شود، هبه نمی گردد و به ارث نیز برده نشود تا آن‌گاه به خداوند وارث آسمان و زمین به ارث برسد. ایشان خاله‌هایش را در آن موقوفه سکونت داده است مادامی که خاله‌ها و اولادشان زنده هستند، و وقتی مرگ آنها فرا رسید و نسل آنها منقرض شد، برای مسلمانان محتاج و نیازمند باشد»<sup>۵</sup>.

همچنین حضرت علی(ع) در نامه 24 نهج البلاغه توصیه‌هایی را برای سرپرستی اموالش بعد از وفات بیان می‌دارد که این نامه را بعد از بازگشت از صفین نوشته است.<sup>۶</sup> در رابطه با موقوفات حضرت زهرا(س) نیز مواردی در منابع ثبت شده است. شیخ صدوق روایتی از امام صادق(ع) نقل می‌کند که در آن حضرت به یکی از وقف‌نامه‌های حضرت زهرا(س) اشاره می‌کند.<sup>۷</sup>

نوشته‌ی دیگری را مجلسی از امام باقر(ع) نقل کرده است که در آن حضرت زهرا(س) صدقاتی را مقرر می‌دارد. در این نوشته حضرت از درآمد صدقات، بعد از کسر کردن هزینه آبیاری و کشاورزی، مبلغی را به زنان رسول خدا(ص) مبلغی را هم به فقرای بنی هاشم و فرزندان عبدالمطلب و مقداری را برای دختر اباذر غفاری و ... اختصاص داده است. حضرت فاطمه(س) در ادامه سرپرستی این صدقات را ابتدا به علی(ع) و بعد از وی به حسن و حسین واگذار کرده و اجازه کامل در اداره اموال موقوفه را به آنان داده است.<sup>۸</sup>

1. فقیر اسم دو مکانی است که در نزدیکی مدینه که آنها را فقیران می نامند.

2. نمیری، ابوزید عمر بن شبه، تاریخ امدیة المنورة، ج 2، قم: دار الفکر، 1410ق، ص 226.

3. همان، ص 224.

4. همان، صص 225-228.

5. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 248.

6. نهج البلاغه، نامه 24، ترجمه محمد دشتی، قم: موعود اسلام.

7. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، پیشین، ص 244.

8. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 100، بیروت: مؤسسه الوفا، 1403ق، صص 185-184.

در منابع آمده امام حسین (ع) زمین و اشیای دیگری را که به ارث برده بود، پیش از این که تحویل بگیرد، وقف کرد.<sup>1</sup>

امام صادق (ع) نیز موقوفه‌هایی داشته است. چنان که شیخ صدوق روایتی را نقل می‌کند که آن حضرت وصیت کرده تا مجلس عزاداری بر پا کنند و اموالی را نیز بدین جهت وقف کردند.<sup>2</sup> همچنین در نامه‌ای از امام کاظم (ع) آمده است که طبق آن هم موقوفات امام صادق و هم امام کاظم (ع) بیان می‌گردد. امام کاظم (ع) در این نامه اراضی و املاک متعددی را برای فرزندان صلبی خویش از زن و مرد قرارداده و شرط کرده است.<sup>3</sup>

## 9- وقف در سیره صحابه و تابعین

عبارتی از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است که او می‌گوید: «لم یکن احد من اصحاب النبی ذو مقدوره الا وقف» هر یک از اصحاب پیامبر (ص) که توانایی داشت اموالی را وقف کرد.

ابن قدامه در ذیل این حدیث می‌نویسد: این سخن ادعای اجماع عملی صحابه از جابر است و این سخن از او مشهور شده و کسی هم آن را انکار نکرده است، لذا جنبه اجماع دارد.<sup>4</sup> در ادامه به بعضی از موقوفات صحابه و تابعین اشاره می‌گردد.

1- نقل شده است که بعد از نزول آیه «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»<sup>5</sup> ابو طلحه انصاری باغی را که محبوب‌ترین اموالش بود به بین اقوامش قسمت کرد. پیغمبر (ص) فرمود: «مبارک باد بر تو که این مال سود بخشی بود برای تو.....»<sup>6</sup>

1. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، ج 2، تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی، چاپ دوم، مصر: دارالمعارف، [بی تا]، ص 339.

2. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، پیشین.

3. همو، عیون أخبار الرضا، ج 1، چاپ اول، تهران: نشر جهان، 1378ق، صص 37-38.

4. ابن قدامه، موفق الدین ابی محمد، المغنی، ج 8، تحقیق عبدالله بن عبدالمحسن التركي، عبدالفتاح محمد الحلو، چاپ اول، قاهره: هجر، 1409ق، ص 357.

5. آل عمران / 92.

6. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 2، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو، 1372، ص 792.

2- نافع از ابن عمر نقل می کند که زمینی از خیبر به عمر بن خطاب رسید. وی از رسول خدا(ص) درباره آن راهنمایی خواست و عرض کرد: «ای رسول خدا(ص)! زمینی از خیبر به من رسیده که هرگز چنین مالی دست نیافته ام درباره آن چه دستوری می دهید؟» حضرت فرمود: «اگر مایل باشی می توانی اصل آن را حبس و ثمره آن را تصدق نمایی.» عمر هم آن را صدقه ای قرار داد که اصل آن به فروش نرسد، به ارث برده نشود و هبه هم نگردد. وی درآمد آن را به فقرا، ذوی القربی، آزادی بردگان، فی سبیل الله، ابن السبیل، مهمان و متولی آن وقف، اختصاص داد.<sup>1</sup>

## 10- وقف در سایر ملل

از جمله مباحثی که در بین فقها کمتر مورد توجه قرار گرفته، این است که آیا وقف از احکام تأسیسی است که قبل از اسلام سابقه ای نداشته و اسلام بنیان گذار آن است و یا از احکام امضایی است که قبل از اسلام در میان عقلا متداول بوده و اسلام البته با اضافه کردن حدود و شرایطی آن را امضا کرده است.

ظاهر امر این است که اصل وقف از خصائص اسلام نیست. امام خمینی این مطلب را چنین توضیح داده است: «وقف دارای حقیقت شرعیّه نیست، بلکه امری است عقلایی که میان دیگر ملل نیز رایج است و حتی شاید در غیر ادیان نیز رایج باشد.»<sup>2</sup>

دکتر ابوزهره نیز در کتاب وقف خود در این باره می نویسد: «وقف در قبل از اسلام، هر چند با نامی غیر از این نام، متداول بوده است. زیرا در تاریخ قبل از اسلام معابد و مساجدی وجود داشته اند که اموال و اراضی فراوانی برای نگهداری و اداره آنها توسط افراد نیکوکار در نظر گرفته شده است.»<sup>3</sup>

1. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج 3، بیروت: دارالفکر، 1401ق، ص 197.

2. موسوی خمینی، سید روح الله، کتاب البیع، ج 3، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی، 1379،

ص 123

3. ابوزهره، محمد احمد، محاضرات فی الوقف، قاهره: جامعة الدول العربية، معهد الدراسات العربية العالمية، 1959م، ص 7.

## 1-10- وقف در میان رومیان، مصریان و ایرانیان قدیم

کیسی از کتاب بین «الشريعة الاسلامية» و «القانون الروماني» نقل کرده است که رومیان با نظام «مؤسسات کنیسه» و مؤسسات خیریه آشنا بودند. این مؤسسات به اداره فقیران و ناتوانان می پرداخت، اموالی به این مؤسسه‌ها اختصاص می یافت تا به مصرف فقرا برسد.<sup>1</sup> مصریان قدیم املاکی را برای خدایان، معابد و مقابر اختصاص می دادند تا درآمد آنها به مصرف تعمیرات، نوسازی و اقامه‌ی مراسم و هزینه کاهنان و خادمان برسد و این کار به قصد تقرب به خدایان انجام می شد. هم اکنون در موزه مصر لوح هایی وجود دارد که مطالب فوق را تأیید می کند.<sup>2</sup>

اقوام آریایی به ویژه ایرانیان بر پیروی از آیین و کیش خود، دارای موقوفات و نذورات بسیاری برای نگهداری معابد و آتشکده‌های خود بوده‌اند که پاره‌ای از این موقوفات، هم اکنون در نزد زرتشتیان برخی از شهرهای ایران، مثل یزد، کرمان باقی و دایر است. از روی قرائن می توان حدس زد که آتشکده‌ی معروف «آذر گشسب» بلخ دارای موقوفات و نذورات بسیاری بوده است.<sup>3</sup>

در پایان این بخش شایان ذکر است که موضوع وقف با اشکال دیگر و تفاوت‌هایی در برخی از کشورهای اروپایی نیز جریان داشته و دارد. کشورهای هم‌چون آلمان، فرانسه، سوئیس و حقوق قدیم انگلستان و آمریکا.

به عنوان نمونه در حقوق انگیس، نهاد تراست برای رسیدن به آرمان‌های معنوی استفاده می شود. «تراست» یعنی گذاشتن مالی در اختیار شخص معینی تا آن را به مصرف شخص دیگر برساند. شخص صاحب اختیار را امین یا وصی و شخص دوم را مستفید یا ذی نفع می نامند.

---

1. کیسی، محمد عبید، احکام وقف در شریعت اسلام، ج 1، ترجمه احمد صادقی گلدر، اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه استان مازندران، 1364، ص 40.  
2. همان، ج 1، ص 39.  
3. شهابی، علی اکبر، پیشین، ص 3.

در آلمان نیز نظام مالی ویژه‌ای وجود دارد که با موضوع وقف و شکل آن شباهت نزدیک دارد. مالک مال خودش را برای مدت معینی و یا تا انقراض نسل یک خانواده به خانواده دیگر اختصاص می‌دهد. گاهی تمام افراد خانواده در نظر گرفته می‌شود و گاهی بعضی از آنان و گاهی در درجه اول پسران و در درجه دوم دختران منظور می‌شوند. اصل در وقف فروخته نمی‌شود و مورد بخشش واقع نمی‌گردد و به ورثه منتقل نمی‌شود و مستحق (موقوف علیه) بهره‌ای از آن ندارد به جز از درآمدش.<sup>1</sup>

## 11- سیر وقف در فقه شیعه

فقه شیعی که در آغاز با گرایش حدیثی و تا حدی گریزان از اجتهاد به بیان احکام می‌پرداخت، بدون تحلیل و تفصیل از وقف سخن به میان آورده و در عباراتی کوتاه از آن سخن رانده است. شیخ صدوق (م 381ق) که از دانشمندان بزرگ شیعی در عصر اولیه شکل‌گیری دانش فقه و صاحب اندیشه و نظر در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی است، در کتاب الهدایه خویش بابی در خصوص وقف گشوده و در رابطه با آن مباحثی را مطرح ساخته است. پس از شیخ صدوق از نظر بررسی و تحلیل مباحث نظری وقف از ابتداء قرن چهارم یعنی عصر مرحوم شیخ مفید تا پایان قرن ششم یعنی اواخر عمر ابن ادریس حلی تقریباً تمامی فقهای بنام شیعه در کتب استدلالی فقهی خود موضوع وقف را مورد بررسی قرار داده‌اند. شیخ مفید (م 413ق)، که تقریباً در همین دوره می‌زیست، به عنوان نماینده فقه کلامی و کسی که با نگره برهانی و استدلالی به شریعت نظر کرده، باز هر چند به کوتاهی، به بیان احکام وقف پرداخته است. از دیگر فقها می‌توان به شیخ طوسی (م 460ق) اشاره کرد که بیش از نیم قرن پس از دوره پیشین زندگی می‌کند و به عنوان نماینده فقه حدیثی - کلامی مطرح است. در این خصوص دغدغه‌های خویش را ابراز داشته و با تفصیل بیشتری وارد این مقوله می‌شود. روشن است که گذر زمان خود زمینه‌های پردازش بیشتر را فراهم می‌کند، اما ابتلای بیشتر مردم و نیز

1. کیسی، محمد عبید، پیشین، ج 1، ص 41

پیدایی رویکرد جدید فقهی در آن دخیل است.<sup>1</sup> پس از شیخ طوسی نیز این شیوه گسترش یافت و فقهای چون: ابن البرّاج در المَهْدَبُ فی الفقه، ابن زهره در غُنِيَّةُ النُّزُوعِ، ابن ادریس حلّی در السرائر با گستردگی بیشتری به مقوله وقف پرداختند. شایان ذکر است، هرچه از قرون اولیه فاصله می‌گیریم، فقها مباحث وقف را همانند سایر مباحث فقهی به صورت گسترده‌تر بحث کرده‌اند و جزئیات بیشتری از آن را ذکر کرده‌اند، مانند:

- 1- شرایع الاسلام و مختصر النافع / محقق حلّی در قرن هفتم
- 2- قواعد الاحکام ، تذکرة الفقهاء و مختلف الشیعه و ارشاد الاذهان / علامه حلّی در اوایل قرن هشتم
- 3- غایة المراد فی شرح نُکَتِ الارشاد و الدروس الشرعیة / شهید اول در قرن هشتم
- 4- المَهْدَبُ الباریع فی شرح المختصر النافع / ابن فهد حلّی در قرن نهم
- 5- جامع المقاصد فی شرح القواعد / محقق ثانی در قرن دهم
- 6- مسالک الأفهام الی تنقیح شرائع الاسلام / شهید ثانی در قرن دهم
- 7- الحدائق الناضرة / شیخ یوسف بحرانی در قرن دوازدهم
- 8- مفتاحُ الکرامة / سید محمد جواد حسینی عاملی در قرن سیزدهم

---

1. واسعی، سید علیرضا، سیر تاریخی اندیشه وقف در مسیر فقه شیعی، مجموعه مقالات ارائه شده در همایش بین المللی وقف و تمدن اسلامی، تهران: اسوه، 1387.



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد